رسالت
سال سی‌وهشتم ■ شماره ۱۰۷۳۲ ■ روزنامه صبح ایران

سرعت رشد چاه‌های غیرمجاز از سرعت بستن آن‌ها بیشتر است

کاهش آب‌های زیرزمینی؛ ضرر جبران‌ناپذیر

گروه اجتماعی

فعالیت ده‌ها هزار حلقه چاه غیرقانونی در نقاط مختلف کشور از جمله چالش‌های مدیریت منابع آب در کشور است که به‌واسطه برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی خسارت‌های هنگفتی را به بار آورده است و اگرچه وزارت نیرو در برنامه هفتم توسعه به شناسایی و مسلوب‌المنفعه ساختن چاه‌های غیرمجاز مکلف شده، اما ازآنجایی که وزارتخانه مزبور کارنامه قابل دفاعی در مسدود کردن چاه‌های غیرمجاز ندارد و تعداد این چاه‌ها همیشه از روندی افزایشی برخوردار بوده، بعید است که این تکلیف دستاورد قابل دفاعی در بخش اجرا داشته باشد.

برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی در دهه‌های گذشته منجر به بروز پیامدهایی در کشور شده و جدا از چاه‌های غیرمجاز که برداشت آب توسط آن‌ها غیرقانونی است و باید نسبت به انسداد آن‌ها اقدام کرد، بررسی‌ها نشان می‌دهد که چاه‌های آب‌دارای مجوز نیز بخش قابل توجهی از آب‌های زیرزمینی را استخراج می‌کنند. به روایت رامین احمدیان، کارشناس طرح تعادل‌بخشی آب‌های زیرزمینی شرکت آب منطقه‌ای تهران، سهم چاه‌های مجاز از بهره‌برداری آب‌های زیرزمینی ۸۵ درصد است و با توجه به فعالیت حدود ۸۰۰ هزار حلقه چاه مجاز و غیرمجاز در کشور، بررسی‌ها نشان می‌دهد در مجموع و به‌صورت سالانه بالغ بر ۴۵ میلیارد مترمکعب از منابع آب زیرزمینی کشور را استخراج می‌کنند. البته براساس آمار و ارقام موجود، همه این ۸۰۰ هزار چاه فعال به‌شکل برابر در برداشت از آب‌های زیرزمینی سهیم نیستند. ۸۵ درصد از ۴۵ میلیارد مترمکعب آبی که به‌صورت سالانه از آبخوان‌ها (منابع آب زیرزمینی) برداشت می‌شود، توسط چاه‌های مجاز صورت می‌گیرد؛ چاه‌های مجازی که به لحاظ عددی ۵۵ درصد چاه‌های کشور را شامل می‌شوند، اما به لحاظ حجم برداشت، بخش قابل توجهی آب‌های زیرزمینی را استخراج می‌کنند و در نتیجه نقش مؤثری در تشدید بحران آبی در دشت‌های مختلف کشور دارند.

به اذعان این کارشناس، «برداشت‌های مکرر از چاه‌های بهره‌برداری مجاز و غیرمجاز موجب شده که میزان تغذیه سفره آب‌های زیرزمینی از راه‌های مختلف نتواند با مقدار برداشت از آن به تعادل برسد و اثرات جبران‌ناپذیری ازجمله بیلان منفی آب زیرزمینی و کاهش غیرقابل برگشت حجم آبخوان را سبب شود که این کاهش منابع آب زیرزمینی به‌عنوان ارزشمندترین منابع آب‌های شیرین، ناشی از عوامل مختلف اقلیمی و انسانی تأثیرات مخربی را در یک منطقه برجای می‌گذارد.» بی‌گمان در صورت استمرار برداشت بی‌رویه، خیلی زود بسیاری از دشت‌ها وارد منطقه ممنوعه-بحرانی می‌شود و حتی ادامهٔ زندگی در این مناطق را با چالش جدی روبه‌رو خواهد کرد و برمبنای آمارهای رسمی، از ۶۰۹ محدوده مطالعاتی (آبخوان)، ۴۱۰ محدوده وارد وضعیت ممنوعه و ممنوعه بحرانی شده‌اند، وضعیتی که تداوم آن خسارت‌های جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت.

عددسازی در حوزه مسدودسازی غیرمجازها

علی‌رغم انسداد پرشمار چاه‌های غیرمجاز، ازآنجایی که این چاه‌ها با معیشت مردم گره خورده است، برخورد با فعالیت آن‌ها و مسدود کردنشان کار چندان ساده‌ای نیست.

عبدالله فاضلی فارسانی، معاون حفاظت، بهره‌برداری و امور اجتماعی حوضه آبریز فلات مرکزی و شرقی کشور اقدام عملیاتی و مطلوب برای مقابله با چاه‌های غیرمجاز را در دسته‌بندی و اولویت‌بندی آن‌ها عنوان کرده و می‌گوید: «می‌توانیم این چاه‌ها را اولویت‌بندی کنیم و در گام نخست تنها به پلمب کردن چاه‌هایی اقدام کنیم که مالکین وابستگی معیشتی چندانی به آن ندارند و بیشتر جنبه تفریحی، درآمد جانبی و خوش‌نشینی دارند. مواردی که وابستگی معیشتی دارند باید در یک الگوی اقتصادی و معیشتی بررسی و رفع مشکل شوند تا زندگی وابستگان به چاه‌های مذکور به سمت نابودی نرود. از طرفی بودجه اندک وزارت نیرو برای برخورد با چاه‌های غیرمجازیکی دیگر از مشکلات جدی ما در این زمینه است. درحالی که برآوردها نشان می‌دهد برای پلمب یک چاه آب غیرمجاز حداقل به ۱۰ میلیون تومان اعتبار نیاز است، بودجه تخصیصی چیزی برای هر چاه چیزی حدود ۲۰۰ هزار تومان است که پاسخگوی هزینه‌های سنگینی چون اجاره کردن ماشین‌آلات و مصالح و... نیست.»

اما جواد سمیعی، کارشناس و پژوهشگر آب، انسداد چاه‌های غیرمجاز را ظاهراتی که مطرح می‌شود را تکرار مکررات می‌داند و در گفت‌وگو با «رسالت» می‌گوید: «این نخستین بار نیست که درباره چاه‌های فاقد پروانه تصمیم‌گیری می‌شود. در دستور العمل‌ها و ماده واحده‌های مختلف به این موضوع پرداخته شده و در برنامه هفتم توسعه نیز همان موارد گذشته تکرار شده است، آن هم بدون اینکه اقدامات انجام‌شده در گذشته و میزان اثربخشی مورد سنجش و ارزیابی قرار بگیرد. دولت بارها مکلف شده که چاه‌های غیرمجاز را شناسایی و مسدود کند، با این حال گزارش‌های رسمی و غیررسمی نشان می‌دهد به ازای هرچاهی که مسدود شده، چاه‌های جدیدی حفر شده است. ما تمام تمرکزمان را روی معلول گذاشته‌ایم و علت را به فراموشی سپرده‌ایم. بی‌تردید باید با چاه‌های غیرمجاز برخورد کرد، ولی در صورت عدم تعریف و ایجاد معیشت جایگزین و تعیین جریمه بازدارنده، به‌راحتی افراد وسوسه می‌شوند که چاه‌های غیرمجاز را حفاری و مورد بهره‌برداری قرار دهند. برخی افراد ناچارند و راه دیگری برای امرارمعاش ندارند. نکته مهم دیگر آن است که بخشی از گزارش‌ها در مورد انسداد چاه‌های غیرمجاز، صرفا عددسازی است و بخش بزرگی ازبرداشت‌های غیرمجاز توسط چاه‌هایی انجام می‌شود که به دلایل مختلف به ساختار قدرت متصل هستند و شرکت‌های آب منطقه‌ای توانی برای مسدودسازی آن‌ها ندارند. لذا این تکلیف قانونی، باعث آمارسازی و عددسازی خواهد شد و درنهایت هم اتفاق مثبتی برای آبخوان‌ها نمی‌افتد و آب‌های زیرزمینی کماکان افت می‌کنند.»

دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی که از سطح کاغذ فراتر نمی‌روند

سمیعی ضمن تأکید دوباره برآنکه بخش قابل توجهی از چاه‌های غیرمجاز پس از مسدودسازی به چرخه برداشت بازگشته‌اند، عنوان می‌کند: «مبارزه با این تخلف چندان موفق نبوده و دلایلی مختلفی هم دارد که به‌شخصه علل اجتماعی- اقتصادی را مهم‌تر از همه می‌دانم. اقتصادی به این معنا که معیشت افراد به آن گره‌خورده و راه‌حلی برای این موضوع نیافته‌ایم. مسئله دوم اجتماعی است و بهره‌برداران مشارکتی در تصمیمات ندارند. از طرفی تعداد انبوهی چاه غیرمجاز در باغ‌ویلاهای اطراف کلان‌شهرهاشناسایی نشده است و از طرفی هاتحت فشار مضاعف قرار می‌گیرند. ضمن آنکه مثبت کردن تراز آب‌های زیرزمینی آرمانی بلندپروازانه است. حتی برای به تعادل رساندن آبخوان‌ها نیز تنها گزینه روی میز کاهش برداشت‌هاست، اما همه این اقدامات مستلزم صرف هزینه‌های مستقیم اقتصادی و اجتماعی‌وسیاسی است و اراده‌ای برای پرداخت این هزینه‌ها وجود ندارد و تعادل بخشی صرفا در حد شعار مطرح است.»

با انسداد چاه‌های غیرمجاز، تنها ۶/۸ درصد از برداشت‌ها کاهش می‌یابد

برمبنای گزارش وزارت نیرو، «تصور غالب این است که عمده مشکل برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی متوجه چاه‌های غیرمجاز است، اما اعداد و ارقام ارائه‌شده توسط شرکت مدیریت منابع آب ایران نشان می‌دهد که اتفاقا بخش قابل توجهی از برداشت‌های بی‌رویه کشور توسط چاه‌های مجاز و دارای پروانه بهره‌برداری صورت می‌گیرد، مسئله‌ای که از دید ناظران تیزبین هم پنهان مانده است. بر اساس آمار و ارقام منتشرشده توسط شرکت مدیریت منابع آب ایران از ۸۰۰ هزار حلقه چاه آبی که در کشور فعال است و در برداشت این حجم از آب زیرزمینی نقش دارند، به لحاظ تعداد ۴۵ درصد فاقد مجوز و ۵۵ درصد دیگر دارای پروانه و مجوز بهره‌برداری هستند و بنا برآمارها هم اکنون بیش از ۸۵ درصد از برداشت آب از منابع زیرزمینی که چیزی بالغ بر ۳۸ میلیارد مترمکعب در سال است، توسط چاه‌های مجاز و دارای پروانه انجام می‌شود و این در حالی است که برای تعادل بخشی میان توانمندی‌های آبی و میزان برداشت‌ها، دست‌کم باید ۸ درصد از میزان برداشت آب از چاه‌های مجاز کاسته شود. درواقع در دهه‌های گذشته و با توجه به برقی شدن بیش از نیمی از چاه‌های دارای پروانه و استفاده از تکنولوژی و تجهیزات پیشرفته در این بخش، قدرت بهره‌برداری از منابع زیرزمینی از طریق چاه‌های مجاز به مراتب افزایش یافته است و در حال حاضر نزدیک به ۷۵ درصد (معادل ۲۸ میلیارد مترمکعب) از برداشت کل چاه‌های مجاز توسط چاه‌های برقی انجام می‌شود که بیش از توان و ظرفیت آبی کشور است. متخصصان منابع آب بیان می‌کنند برای جلوگیری از تشدید پیامدهای مرتبط با برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی، «باید سالانه چیزی حدود ۱۴/۷ درصد از میزان برداشت از سفره‌های آب زیرزمینی (آبخوان‌ها) کم کرد. این در حالی است که با انسداد چاه‌های غیرمجاز که البته فرآیندی زمان‌بر و پیچیده دارد، تنها ۶/۸ درصد از برداشت‌ها کاهش پیدا می‌کند. درواقع سهم چاه‌های مجاز برای کاهش میزان برداشت و رسیدن به حد تعادل رقمی معادل ۷/۹ درصد در سال است که باید با مجموعه اقداماتی مانند نصب کنتور هوشمند بر روی چاه‌های برقی، الزام مالکان چاه‌ها برای کاهش برداشت تا میزان تعیین‌شده در پروانه، اصلاح پروانه‌ها مطابق با تغییر و تحولات اقلیمی در کنار افزایش اصلاح الگوی کشت و مصرف بهینه آب در بخش کشاورزی دنبال شود. این مهم در حالی است که در نظر افکار عمومی جامعه و حتی سطح کلان مدیریتی برخی دستگاه‌ها، تصور غالب این است؛ عمده مشکل آبی کشور به دلیل وجود چاه‌های غیرمجاز بوده و چاه‌های مجاز صرفا به دلیل اینکه دارای مجوز هستند، ضابطه‌مند فعالیت کرده و نباید مشمول مدیریت مصرف باشند! بنابراین ضرورت دارد برای حفظ ذخایر آبی و کاهش پیامدهای نامطلوب وضع موجود، مدیریت و کنترل برداشت‌های بی‌رویه از چاه‌های مجاز و غیرمجاز به صورت توأمان در دستور کار قرار گیرد؛ موضوع مهمی که البته نیازمند همکاری دستگاه‌های دولتی و فرادولتی است.» سمیعی در این رابطه توضیح می‌دهد: «تخلف چاه‌های غیرمجاز محرز است اما برمبنای گزارش شرکت مدیریت منابع آب ایران، به لحاظ میزان سهم، چاه‌های مجاز اضافه برداشت بیشتری دارند و این سخن بدان معنا نیست که تمام تمرکز ما بر چاه‌های مجاز معطوف شود، بلکه برای تعادل بخشی باید توأمان به هر دو توجه کرد و ضمن مواجهه مؤثر با چاه‌های غیرمجاز، با چاه‌های مجازی که بیش از پروانه خود برداشت می‌کنند هم برخورد کرد.»

کامران داوری، رئیس پژوهشکده آب و محیط زیست دانشگاه فردوسی مشهد نیز در این زمینه به «رسالت» می‌گوید: «چاه‌های غیرمجاز و مجاز در مسئله برداشت‌های بی‌رویه سهم مشترک دارند و متأسفانه کنترل درستی صورت نمی‌پذیرد. این مسئله ناشی از دخیل نکردن و یا عدم مشارکت جامعه محلی در تصمیمات است و به این ترتیب هردوی این عوامل به برداشت بی‌رویه و افت سفره‌های آب زیرزمینی منجر شده است.»

القاء حس مالکیت به جامعه محلی برای صیانت از سرزمین

رئیس پژوهشکده آب و محیط زیست دانشگاه فردوسی مشهد با اشاره به اینکه در برنامه هفتم، وزارت نیرو مکلف به مسدودسازی چاه‌های غیرمجاز شده، عنوان می‌کند: «وزارت نیرو همیشه به لحاظ قانونی مکلف به این کار بوده است و تأکید مجدد، کمکی به اصل ماجرا نمی‌کند. البته در گذشته مجلس شورای اسلامی مصوباتی را به منظور صدور مجوز برای چاه‌های غیرمجاز